

پیدایش باب ۱۳

Your browser does not support the audio element

جدایی ابرام و لوط

۱ ابرام با زنش و هرچه داشت به طرف شمال مصر به قسمت جنوبی کنعان رفت و لوط هم همراه او بود. ۲ ابرام مرد بسیار ثروتمندی بود. او گوسفندان، بزها، گاوها و طلا و نقره فراوانی داشت. ۳ او آنجا را ترک کرد و از جایی به جایی دیگر می‌رفت تا به بیت‌ئیل رسید. او به محلی بین بیت‌ئیل و عای رسید، یعنی همان جایی که قبلاً خیمه زده ۴ و قربانگاهی بنا کرده بود. پس در آنجا خداوند را پرستش نمود. ۵ لوط نیز گوسفندان و بزها و گاوها و فامیل و غلامان بسیاری داشت. ۶ لوط و ابرام هر دو چارپایان بسیاری داشتند و چراگاه به اندازه کافی نبود تا هر دوی آنها در آنجا زندگی کنند. ۷ سرانجام بین چوپانان ابرام و چوپانان لوط اختلافاتی پیدا شد. (در آن موقع کنعانیان و فرزندان هنوز در آنجا زندگی می‌کردند.) ۸ پس ابرام به لوط گفت: «ما با هم فامیل هستیم و چوپانان تو نباید با چوپانان من اختلاف داشته باشند. ۹ پس بیا از هم جدا شویم. تو هر قسمت از زمین را که می‌خواهی انتخاب کن. تو به یک طرف برو و من به طرف دیگر.»

۱۰ لوط خوب به اطراف نگاه کرد و دید که تمام دشت اردن و تمام راه صوغر مانند باغ خداوند و یا مانند زمین مصر، آب فراوان دارد. (این قبل از آن بود که خداوند شهرهای سدوم و غموره را خراب کند.) ۱۱ بنابراین لوط تمام دشت اردن را برای خود انتخاب کرد و به طرف شرق حرکت کرد و به این ترتیب این دو نفر از هم جدا شدند. ۱۲ ابرام در سرزمین کنعان ماند و لوط در بین شهرهای دشت اردن تا نزدیک سدوم ساکن شد. ۱۳ مردم این شهر بسیار شریر بودند و به ضد خداوند گناه می‌کردند. ابرام به حبرون می‌رود

۱۴ بعد از اینکه لوط آنجا را ترک کرد، خداوند به ابرام فرمود: «از همان جایی که هستی خوب به همه اطراف نگاه کن. ۱۵ من تمام سرزمینی را که می‌بینی برای همیشه به تو و به نسل تو خواهم داد. ۱۶ من نسلهای بسیاری به تو خواهم بخشید به طوری که کسی نتواند همه آنها را بشمارد. شمارش آنها مثل شمارش غبار زمین خواهد بود. ۱۷ حال برو و تمام سرزمین را ببین زیرا من همه آن را به تو خواهم داد.» ۱۸ پس ابرام کوچ کرد و اردوی خود را نزدیک بلوطستان ممری که در حبرون است، بنا کرد و در آنجا قربانگاهی برای خداوند ساخت.